خبر

شنبه ۱۴ نفر در خزر غرق شدند

■ **واحد مرکزی خبر:** سخنگوی طرح دریای مازندران گفت: طی روزهای جمعه و شـنبه ۱۳ نفر در سـواحل دریا غرق و یک نفر هم در رودخانه غرق شد. رستمعلی با بیان اینکه غرق‌شدگان همه غیربومی بودند، افزود: هفت نفر از این افراد در عباس‌آباد تنکابن، چهار نفر در نور، یک نفر در بابلسر و یک نفر در تنکابن خارج از طرح دریا به علت آشنا نبودن به فن شنا فوت شدند. وی با اشاره به اینکه در این مدت ۴۵۰ نفر هم از غرق شدن نجات پیدا کردند، گفت: جوان ۲۱ سـاله‌ای به علت آشنا نبودن به فن شنا روز شنبه در رودخانه روستای درویشان نکا غرق شد و جسد وی هنوز پیدا نشده است.

محکومیت زن ایرانی در افغانستان

■ **بی.بی.سـی:** دادگاه ویـژه مبـارزه بـا موادمخدر افغانستان یک زن ایرانی را به اتهام قاچاق مواد مخدر به ۲۰ سال حبس محکوم کرد. این دادگاه روز شنبه، اعلام کـرد زن ایرانی ـ که نامش فاش نشـده ـ هنگام انتقال ۹ کیلوگرم هروبین از افغانستان به ایران در بندر اسلام قلعه در غرب افغانستان بازداشت شد. احمد خالد موحد، سـخنگوی دادگاه ویژه مبارزه با مـواد مخدر اعلام کرد دادگاه، این زن را در جلسه علنی به تحمل ۲۰ سال زندان محکوم کرده است. البته او حق فرجام‌خواهی در دادگاه استیناف و درخواست تجدید نظر دارد. این نخستین مورد است که این دادگاه یک زن ایرانی را به اتهام قاچاق مواد مخدر محکوم به حبس طولانی‌مدت می‌کند.

صاعقه بلای جان فوتبالیست مشهدی

■ **ایسنا:** صاعقه جان پسر ۱۷ ساله‌ای را در حین بازی فوتبال، در زمین بازی گرفت. دکتر رضا وفایی‌نژاد، رییس اورژانس مشـهد با اعلام این خبر افزود: تکنسـین‌های اورژانس ۱۱۵ مشهد روز جمعه از طریق تماس مردمی در جریان وقوع حادثـه‌ای در یکی از زمین‌های فوتبال این شـهر قرار گرفتند. وی افزود: تکنسین‌های اورژانس با حضور در صحنـه حادثه با پیکر بی‌جان نوجوانی ۱۷ ساله روبه‌رو شدند که در حین بازی فوتبال، مورد اصابت صاعقه آسمان قرار گرفته و دچار سانحه شده بود، رییس مرکز فوریت‌های پزشکی مشهد در ادامه افزود: امدادگران اورژانس بلافاصله این نوجـوان را که دچار برق‌گرفتگی شدید شـده بود، به بیمارسـتان رضوی مشهد منتقل کردند، اما پسر فوتبالیسـت بر اثر شدت صدمات وارده جان خود را از دست داد.

روی تخت بیمارستان

بارد جان باخت

شرق: وقتی مهر آبی‌رنگ پزشکی قانونی روی برگه‌ای با نام باربد طاهری نقش بست و مرگ او تایید شد مادر این کودک سه‌ساله باور کرد که دیگر پسـری ندارد و باید در تدارک مراسـم دفن جسد سوخته فرزندش باشد. سـاعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه وقتی مادر باربد وارد سـالن بخش آی.سی.یو بیمارستان شهید مطهری تهران شـد تا باز هم کمی آب‌میوه در دهان سـوخته فرزنـدش بریـزد و از او بخواهد با مرگ مبارزه کند پرسـتاران جلو ورود این زن را گرفتند و از مینا خواسـتند آرام باشـد و به گفته‌های آنها گوش کند. هرچند قبلا به این زن گفته شده بود باربد با ۷۰ درصد سوختگی به احتمال زیاد زنده نمی‌ماند، اما او نمی‌خواست این حرف را باور کند. با این حال، این واقعیت تلخ رخ داد و باربـد دیگر زنده نبود. باربد که در خانه پدربزرگش در کرج و همراه مادرش زندگی می‌کرد ۱۸ روز قبل توسط پدرش ربوده و به آتش کشیده شد. او در این مدت در بیمارستان‌های شهید مدنی کرج و شهید مطهری تهران تحت درمان قرار داشت و سه‌بار عمل جراحی شـد ولی سرانجام جانش را از دست داد و صبح دیروز در کرج به خاک سـپرده شـد. در همان روز اول وقوع حادثه وقتی پیکر سوخته پسر سه‌ساله توسط همسایه‌ها به بیمارسـتان انتقال یافت، پرونده‌ای در این خصوص تشکیل شد و محمد، پدر باربد که او نیز دچار سوختگی شده است در بازجویی‌های اولیه گفت باربد را قربانی انتقام‌گیری از همسرش کرده چون مینا نمی‌خواست به زندگی با او برگردد و بر جدایی اصرار داشـت. مینا – مادر ۲۸ سـاله باربد – نیز گفت: محمد همیشه مرد کینه‌توزی بود و به شدت من و باربد را اذیت می‌کرد به همین خاطر هم تصمیم گرفتم او را ترک کنم. من و محمد شـش سـال قبل با هم ازدواج کردیم. من او را دوسـت داشتم و می‌خواستم در کنارش زندگی خوبی داشـته باشم اما بدبختی پشت بدبختی بود که برای مـا رخ می‌داد. بعـد از اینکه پدر و مادر محمد فوت شـدند و مسـوولیت سایر اعضای خانواده محمد به دوش او افتاد شـرایط ما بدتر شـد. محمد در کارش شکست خورد و مدتی به زندان افتاد و من را هم گرفتـار این پرونده کرد. بعد از آن تصمیم گرفتم از محمد جدا شوم چون او به شیشه اعتیاد پیدا کرده بود و مدام من و باربد را کتک می‌زد. هربار که مواد مصرف می‌کرد دیگر نمی‌توانست خودش را کنترل کند. وقتی تصمیمم برای جدایی جدی شـد به خانه پدرم رفتم البته محمد، باربد را از من گرفت و گفت اجازه نمی‌دهد او را با خودم ببرم. فکر می‌کردم قانون از من حمایت می‌کند اما در پیگیری‌هایم هیچ رایی به نفع من صادر نشد و هیچ‌کس از من حمایت نکرد و محمد، بچه را با خود برد. دلم مثل سیر و سرکه می‌جوشید و نمی‌دانستم او می‌خواهد با باربد چه کند. هیچ‌کس از شوهرم خبر نداشت و معلوم نبـود او کجا زندگی می‌کند و من نمی‌دانسـتم چطور باید پسرم را پیـدا کنم. برای جدایـی که اقدام کردم احضاریه به خانه پدری محمد فرستاده شد و چند روز بعد او تماس گرفت و مرا تهدید کرد و به من گفت: اگر به خانه برنگردی دسـت باربد را می‌برم و برایت می‌فرستم. هر چند او مرد خشنی بود، فکر نمی‌کردم چنین کاری بکنـد. بعد تهدیـد کرد گوش باربد را می‌برد. چنـد روز بعد هم به سـراغ یکی از اقوام رفتـه و از او پول خواسته بود. آن فرد که می‌دانست من چقدر دلتنگ باربد هستم در ازای دادن پول باربد را گرفت و او را برای من آورد. مینا ادامه داد: دو روز بعد وقتی که من و پدرم در خانه نبودیم محمد وارد خانه شد و باربد را ربود و با ریختن بنزین روی بدنش او را سوزاند. در این حادثه خود محمد هم دچار ۵۰ درصد سوختگی شد. او که تا پیش از این به کودک‌آزاری متهم بود اکنون با اتهام قتل عمدی مواجه شده و با قرار بازداشت، تحت‌الحفظ در بیمارستان به سر می‌برد. شـیرین صدر، مددکار انجمن حمایت از حقوق کودک که در این مدت همراه مادر باربد بود و اوضاع این کودک را زیرنظر داشـت دیروز به خبرنگار ما گفت: تلاش زیادی برای نجات جان باربد انجام شد اما شدت سوختگی این کودک آنقدر زیاد بود که کاری از دست کسی بر نمی‌آمد. هرچند به مینا گفته شده بود احتمال زنده ماندن باربد خیلی کم است اما او دوست نداشـت این موضوع را باور کند و خیلی تلاش می‌کرد کودک را نجات دهد. بعد از اینکه مطلع شـدیم باربد فوت شده است بلافاصله با همکارانم به بیمارستان رفتیم تا از چگونگی این حادثه باخبر شـویم، هرچند برایمان دور از انتظار نبود. البته در مورد انتقال جسـد باربد به پزشکی قانونی و انجام مراحل اداری دفن او مشکلاتی پیش آمد که دفن جسد او را به تاخیر انداخت اما وکیل انجمن، پیگیری‌های قضایی را انجام داد و سرانجام با مجوز بازپرس کشیک قتل، جسد به مادر باربد تحویل داده و او صبح یکشنبه در گورستانی در کرج دفن شد. مددکار انجمن حمایت از حقوق کودک در ادامه گفت: اعضای حقوقدان انجمن حمایت از حقوق کودک که به صورت داوطلب کار می‌کنند تا پایان این پرونده پیگیری‌های قضایی را انجام می‌دهند و تمام توان خود را در مبارزه با این پدیده تلخ و گزنده به کار گرفته‌اند. وکالت مادر باربد به عنوان شـاکی بر عهده وکلای انجمن است و ما با تمام توان این پرونده را دنبال خواهیم کرد.

عکس: شرق

یادداشت

مدیریت حمایت از کودکان

سارا نجیمی
حقوقدان

باربـد پس از جدال ۱۸ روزه با درد و مرگ سـرانجام آرام گرفت. ۱۸ روز چشـمان نگـران فراوانی جـدال این کودک معصوم با مـرگ را دنبال می‌کردند. مادر باربد قبلا گفته بود بارها تقاضای حضانت او توسـط دادگاه رد شـده. این ماجرا شـایدها و اما و اگرهای فراوانی را در ذهن ایجاد می‌کند. اگر حضانت باربد به مادرش سپرده شده بود، شاید این اتفاق فجیع رخ نمی‌داد و بسیاری شایدهای دیگر. قطعا مرگ دلخراش باربد پیکره احساسـات و عواطف عمومی را جریحه‌دار کرده است. سوزانده شدن قطعا دردناک‌ترین نوع مرگ است که تحمل آن برای جسم خردسال باربد بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود. کاش به آسانی از این حادثه نگذریم و باربد، هانیه، نیما و بسیاری از کودکانی را که در همین لحظات دردها و ترس‌های مشابهی را تجربه می‌کنند و پشـت سـر می‌گذارند، فراموش نکنیم.

مـن بر این باورم که آینده جهان، که کودکان آن را تشـکیل می‌دهند، به تک تک ما وابسـته اسـت. هر یک از ما باید این مسـوولیت را بپذیریم که اوضـاع را برای یکدیگر بهتر کنیم. زمانی که حادثه‌ای برای کودکی در کشـور ما اتفاق می‌افتد، نهادهـا و ارگان‌های خصوصی و نیمـه خصوصی فراوانی که به نوعی دغدغه حمایت از حقوق کـودکان را بر عهده دارند، احساس مسوولیت می‌کنند و وارد ماجرا می‌شوند و این حس مسوولیت و همدردی واقعا قابل تقدیر است اما آنچه بیش از این اهمیت دارد، مدیریت صحیح جریان کمک‌رسـانی است که اگر یکسـو و هماهنگ نباشد، ممکن است نه تنها کمکی برای طفل آسیب‌دیده نباشد، بلکه روند کمک‌رسانی را دچار اخلال کند. متاسفانه در کشور ما زمانی که نهادی در ارتباط با مساله کودکان وارد ماجرا می‌شود به نوعی این ماجرا را متعلق به خود می‌داند و حتی این شـائبه در ذهن ایجاد می‌شود که این نهاد کمک‌های سایرین را نیز مدیریت می‌کند. در حالی که ایـن روند کمک‌رسـانی خود نیاز به آسیب‌شناسـی دقیق و بررسی کارشناسانه دارد، چرا که اگر اقدامات اصولی و صحیح انجام نشـود، راه برای کمک‌های موثر به طفل آسـیب‌دیده بسته می‌شـود. مهم این نیست که چه کسی یا کسانی برای نخستین بار به بالین کودک آمده یا هزینه‌های بیمارستان وی را پرداخته‌اند یا... بلکه آنچه اهمیت دارد، مدیریت صحیح روند کمک‌رسانی است که قطعا باید از سوی نهادی مدیریت شود که فراتر از تصمیم‌گیری‌های شـخصی، سلیقه‌ای و احساسی عمل کند و در عین حال از احساسات مثبت و انسان دوستانه تمامی این نهادها و ارگان‌های حامی حقوق کودک به نحوی صحیح و در مسیری درست بهره گیرد. در ماده «۹» بند یک پیمان نامه حقوق کودک این مهم بر عهده دولت‌ها گذاشـته شده است و دولت باید در برخورد با مساله حمایت از کودکان در قبال خشونت و غفلت رویکردی فراگیر و همه جانبه اتخاذ کند که موارد زیر را در بر می‌گیرد: ۱) اقدامات پیشگیرانه ۲) اقدامات لازم برای کشف، شناسایی و تحقیق موارد ۳) درمان ۴) اجـرای موثر قانون. پس همـان گونه که می‌بینیم، دولت می‌تواند با بهترین رویکرد یا پر کردن صحیح و مناسب خلأهای قانونی موجود، کودکان را از همان نخسـتین لحظه‌های قرار گرفتن در محیطی پرتنش و آسیب‌زا تحت پوشش حمایتی خویش قرار دهد و کمک‌های نهادهای حامی کودکان را نیز به گونه‌ای صحیح هدایت کند. در ماجرای اخیر شاید اگر تیمی متشکل از مددکاران اجتماعی و روان‌شناسان با انجام صحیح تحقیقات محلی و... عدم صلاحیت روانی پدر باربد و اعتیاد به مـواد مخدر وی را احراز می‌کردنـد و بر مبنای اظهارات مادر که نگران حال کودک خویش بود، به شـرایط نامناسب طفل پی می‌بردند، شاهد چنین حادثه تلخی نبودیم. به امید روزی که تک‌تک فرزندان‌مان در محیطی امن و سرشار از شادمانی کودکانه لحظات زیبایی را تجربه کنند.

یادداشت

... و حالا باربد

محمدرضا رحمت
حقوقدان و استاد دانشگاه

۱-آمنه، آرین، سارا، هانیه و... الان هم باربد! باربد هم قربانی خشـم پدرش شد! روز پنجشـنبه باربد در آتشی که پدرش برایش افروخت، سـوخت. تلاش‌های تیم پزشکی برای نجات وی موثر واقع نشد و باربد در نهایت درد و رنج از زندگی سراسر زجری که پدرش به او هدیه داده بود، خداحافظی کرد... البته مجـازات چندانی در انتظار پدر نخواهد بود؛ حبس از سـه تا نهایتا ۱۰ سال که آن‌هم با گذشت نصف مدت حبس با آزادی مشروط به زندگی عادی یا بهتر بگویم غیرعادی خود، بازخواهد گشـت. طی چند ماه گذشته بارها و بارها شاهد کودک‌آزاری توسط والدین بودیم که متاسفانه در بسیاری از موارد منجر به مرگ کودکان نیز شد. در هنگام نوشتن این مقاله نیم نگاهی به فرزند تازه متولد شده‌ام «باران» که معصومانه به خواب رفته اسـت، می‌اندازم و این سـوال بیش از پیش ذهنم را به خود مشغول می‌کند که به راستی چه عاملی باعث افزایش این همه خشونت علیه این افراد معصوم شده است و چه باید کرد؟ ۱- آمارهای رسـمی حاکی از آن اسـت که سهم قتل فرزندان به وسـیله والدین آنها ۱۰ درصد از کل قتل‌های سال‌های اخیر اسـت. البته برابر آمارهای غیررسمی این رقم تا ۱۵ درصد نیز متغیر است. همین آمارهای غیررسمی حاکی از رشد قتل‌های خانوادگی (اعم از فرزندکشی) نسبت به سایر انواع قتل است. در پژوهشی که سال ۱۳۶۷ در مراکز استان‌ها انجام شد، قتل‌های خانوادگی ۱۵/۷ درصد قتل‌ها را شـامل شد، در حالی‌که این نسبت با گذشت دو دهه، برابر آمار رسمی به ۳۸ درصد رسیده اسـت؛ یعنی چیزی حدود دو و نیم برابر... این آمار مربوط به افرادی است که جسم‌شان در خانواده کشته می‌شود. متأسفانه آمـاری در خصوص افـرادی که به لحاظ روحـی و روانی در خانواده‌ها ذبح می‌شـوند، در دست نیست. شاید اگر این آمار نیـز قابل ثبت بود، این تعـداد از قتل‌ها چندان قابل توجه به نظر نمی‌رسید. افزایش قتل‌های خانوادگی می‌تواند از یک سو بیانگر افزایش بحران در خانواده‌ها باشد، از سوی دیگر این آمار، عدم کارآیی مناسب قوانین جاری را در کنترل و پیشگیری از وقوع این دسـته از جرایم نشان می‌دهد. ۲- «قانون حمایت از کـودکان و نوجوانان» که در تاریـخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۱ به تایید شورای نگهبان رسـیده، یکی از ابزارهای مهم در کاهش این نوع جرایم اسـت. برابر ماده «۲» این قانون هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شـود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شـود و سلامت جسـم یا روان آنان را به مخاطره اندازد، ممنوع اسـت. ماده «۴» این قانون با تاکید بر ممنوعیت به مخاطره انداختن سـلامت جسـمی و روحی کـودکان و نوجوانان، هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شـکنجه جسـمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سـلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان را مشمول مجازات سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس یا تا ۱۰ میلیون ریال جزای نقدی می‌داند. آنچه که جزو نوآوری‌های این قانون است، آن است که قانون‌گذار برای نجات کودکان از وقوع چنین خطراتی، سـایر افراد را نیز که موارد کودک‌آزاری را مشـاهده می‌کنند، مکلف به گزارش به مقامات صالح قضایی کرده است؛ در غیر این صورت این افراد برابر ماده «۶» این قانون به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون ریال محکوم می‌شوند. ۳-بررسی کودک‌آزاری در ایران نشان می‌دهد، عوامل مختلفی در کودک‌آزاری دخیل هستند. علل مزبور ممکن است جنبه فردی، اجتماعی، حقوقی، فرهنگی و... داشـته باشد. ساختار اجتماعی کشـورها نیز می‌تواند در این پدیده دخیل باشد، به عنوان مثال پدیده کودک‌آزاری در کشورهای جهان سوم اکثرا ناشـی از ناآگاهی است، در حالی‌که در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتـی، علت این امر وجود ضعف در بنیان‌های خانوادگی اسـت. آمارهای غیررسمی نشـان می‌دهد در ایران ۶۶درصد کودک‌آزاری‌ها، از سوی مردان صورت می‌گیرد. سهم دختران در این اعمال بیشـتر از پسـران گزارش شده است. ۲۵درصد کودک‌آزاری‌هـا در خانواده‌های طلاق رخ می‌دهد. این آمار به گرایش ۴۰ درصدی والدین به تنبیه بدنی اشاره دارد. همچنین مطالعه روی یک گروه مرکب از ۱۱۴ طفل آزاردیده نشان داده اسـت ۷۱درصد آنها تنها با مادر خـود زندگی می‌کنند. این گروه از اطفال به طور متوسـط به مدت ۱۰تا۱۱روز بسـتری شده بودند. مطالعات نشان می‌دهد مهم‌ترین اقدامات اساسی برای پیشـگیری عبارتند از: حذف یا تعدیل عوامل استرس‌زا، آموزش تکنیک‌های رفتاری به والدین، درگیر کردن والدین در رفع مشـکلات، بازنگری و اصلاح قوانین موجود درباره حقوق کودکان، منع قانونی اعمال خشونت در سازمان‌ها و نهادهایی مانند مدارس، مهدکودک‌ها و...، اجرای برنامه‌های آگاه‌سازی و ارایه اطلاعات به والدین، دسترسـی کودکان به مراکز مشاوره از طریـق تلفنی یا حضـوری، برقراری یک سیسـتم دایمی گزارش‌دهی دایمی در سطح کشور درخصوص سوءاستفاده و آزار کودکان. ۴- در سـال ۱۳۶۷، با رشد آمار کلاهبرداری در جامعه، شاهد تصویب قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشـاء و کلاهبـرداری بودیم. در سـال ۱۳۸۹ این اتفاق در خصوص قانون مبارزه با مواد مخدر نیز افتاد. سوالی که اینجا به ذهن متبادر می‌شود، این است که آیا زمان آن نرسیده که در خصوص پدیده شوم کودک‌آزاری جدی‌تر برخورد کنیم؟ آیا سوزاندن یک انسان بی‌گناه و بی‌دفاع به مراتب قبیح‌تر از حمل ۳۰ گرم هروبین (مجازات اعدام) نیسـت! آیا اقدامی که پدر باربد انجام داد، احساسات عمومی را به مراتب بیش از حادثه سعادت‌آباد که سال گذشته مورد رسیدگی و اجرا واقع شد، به درد نمی‌آورد؟ در سال ۱۳۶۷ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشـاء و کلاهبرداری به تصویب رسید، حال سوال اینجاست که قانون تشدید مجازات کودک‌آزاری چه وقت به تصویب خواهد رسید؟

نگاه

فرزندکشی و مجازات‌های قانونی

محمد شهریاری
بازپرس دادسرای جنایی تهران

■ باربد، کودک سه‌سـاله بر اثر سوختگی شدید جان داد. شـاید این جمله کوتاه باشد و با سادگی از مرگ کودکی سه‌ساله خبر دهد اما آنچه بر این کودک گذشته، به شـدت آزاردهنده است و قلب هر انسـانی را به درد می‌آورد. سـاعت ۹ صبح روز پنجشنبه بود که به تلفنم زنگ زدند و خبر مرگ باربد را دادند. مراحل قانونی انجام شـد و مادر این کودک اجازه یافت جسـد کودکش را دفن کند اما این سـوال همچنان باقی ماند که چرا این جرم به رغم داشتن مجازات همچنان قربانی می‌گیرد.

در ماده «۲۰۶» قانون مجازات اسـلامی آمده است در صورتی که فـردی مرتکب قتل عمدی فرد دیگری بشـود به قصاص محکوم خواهد شـد، اما ماده «۲۲۰» قانون مجازات اسلامی درخصوص قتل کودک به دست پدر و جد پدری گفته اسـت کشنده به پرداخت دیه و تعزیر محکوم می‌شـود، این تعزیر هم با استناد به ماده «۶۱۲» قانون مجازات اسلامی است که تصریح می‌کند در صورتی که فـردی به قصاص محکوم و این حکم از او سـلب شود به لحاظ جنبه عمومی جرم به سه تا ۱۰ سـال حبس محکوم می‌شود. البته به قاضی اجازه داده شـده از موارد تشدید مجازات هم اسـتفاده و مرتکب را بـه اقامت اجباری یا محرومیـت از حقوق اجتماعی محکوم کند. قصاص نشـدن پدر و جد پدری، ریشـه فقهی دارد و برگرفته از حدیث پیامبر اکرم(ص) اسـت کـه فرمودند: «انـت و مالک لابیک»، بـه این معنا که تو و مالت متعلق به پدرت هسـتید. روایاتی نیز از امام جعفر صـادق (ع) وجـود دارد که بر ایـن نکته تاکید کرده‌اند. این حدیث فقط شامل پدر و جد پدری است و نه مادر. بنابراین پدر در صورت قتل فرزندش به پرداخت دیه در حق مادر کودک و حبس محکوم می‌شود.

از آنجایی که این قانون ریشه فقهی دارد قابل تغییر نیست و اصراری هم بر قصاص پدر درخصوص قتل فرزند وجود ندارد اما این مشکل ایجاد شده که مجازات چنین جرمی، بازدارنده نیسـت و یکی از دلایل تکرار جرم در این خصوص همین مساله است. بنابراین همان‌طور که مجازات مربوط به مواد مخدر و محرک تشدید شده باید در این خصوص هم بازنگری قانونی انجام گیرد.

نکتـه دیگر که باید مورد بررسـی قـرار گیرد این اسـت که آیا همین قانون هم به درستی اجرا می‌شود؟ متاسفانه دیده شده بسیاری از این مجرمان بعد از مدتی تحمل زندان، مشمول عفو عمومی یا عفوهای دیگر قرار می‌گیرند و از زندان آزاد می‌شـوند. عدم اجرای صحیح قانون خود باعث تکرار جرم می‌شـود و در این شـرایط مجـازات مهم‌ترین خاصیت خود یعنـی بازدارندگی را از دسـت می‌دهد. در کشـور ما گاهی فرد حتی نیمی از مجـازات را هـم تحمل نمی‌کنـد. در حالی که باید مجازات‌های شـدیدتری در مورد قتـل فرزند اعمال و حقوقی مانند حق داشـتن دوباره فرزند یا حتی ازدواج مجدد از مرتکبان سـلب شـود. به همین دلیل، بحث نظارت بر اجرای درست احکام بسیار مهم است. ضمن اینکه ما قانون مراقبت پس از خـروج از زندان را داریم که می‌تواند در صورت اجرا بسیار بازدارنده باشد اما این کار هم به خاطر مشـکلاتی که وجود دارد به درسـتی اجرا نمی‌شود.

درخصوص این جرم البته نباید فقط به کاستی‌های قانون تاکید کرد زیرا علاوه بر این مسـاله، مشـکلات دیگـری از جملـه برخورد نکـردن ریشـه‌ای با جرم وجـود دارد که برطـرف کردن آنها می‌توانـد از قانون هم بازدارنده‌تر باشـد. کودک‌آزاری جرمی است که به طور مستقیم با معضلات جامعه از جمله اعتیاد ارتباط مسـتقیم دارد. همان‌طـور که در پرونده باربد شـاهد هستیم پدر این کودک به خاطر استعمال مواد محرک شیشه، کودکش را با بنزین آتش زده است. در پرونده‌ای دیگر که به مرگ دختر ۱۱ ساله‌ای به نام سارا منجر شد و من آن را رسـیدگی کردم باز هم شاهد بودیم متهم به شیشه اعتیاد داشت. علی‌اکبر کودکی دیگر است که رسـیدگی پرونده او را هم من برعهده داشـتم. در این پرونده پدر سـر از تن فرزندش جدا کرده و ریشـه این جرم هم اعتیاد بود. بنابراین به نظر می‌رسد حل معضل اعتیاد و مواد محرک بیشتر از تشدید مجازات می‌تواند به رفع مشکل کودک‌آزاری کمک کند.

مشکل دیگری که در برخورد با پدیده کودک‌آزاری وجود دارد و مجازات عاملان را سخت می‌کند وضعیت خانوادگی این افراد اسـت. در بسیاری از موارد حتی اگر مجرم در زندان بماند و اراده بر عدم عفو او باشد همسر وی که ولی‌دم کودک کشته‌شـده محسـوب می‌شود در اکثـر موارد اعلام رضایت می‌کنـد چون از این مرد، فرزندان دیگـری دارد و برای تامین هزینه‌های زندگی آنها با مشکل روبه‌روست. حال آنکه اگر نهادهای حمایتی وجود داشته باشند و از زنان بی‌سرپرست حمایت و برای آنها شغل ایجاد کنند و شرایطی فراهم شود که زن خود بتواند زندگی‌اش را تامین کند، این زنان می‌توانند در برابر پدر آزارگر که حضورش در کنار کودک خطر بیشـتری از نبودنش دارد، حمایت شوند. بنابراین آنچه از تشدید مجازات در مبارزه با کودک‌آزاری اهمیت بیشتری دارد از بین بردن زیر ساخت‌های آن است اما متاسفانه با این مساله معمولا برخورد سیاسی می‌شود و سیاستمداران نیز به دنبال پروژه‌های کوتاه‌مدت هسـتند، حال آنکه هرچه در این زمینه هزینه شود و با این مشکل ریشه‌ای برخورد کنیم، ارزش دارد حتی اگر ده‌ها سال بعد نتیجه آن را ببینیـم؛ چرا که کـودک آزاردیده امـروز، آزارگر فرداست و کودک‌آزاری منجر به مرگ، روح افکار عمومی را می‌خراشد و زخم آن برای همیشه باقی می‌ماند.